

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

### بررسی مولفه های هوش هیجانی کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس دیدگاه دنیل گلمن

مرضیه الهامی<sup>a</sup>، نفیسه کفاشی<sup>b</sup>، فائزه قدیری<sup>c</sup>

زیر نظر استاد محترم جناب آقای شکوهی

**چکیده:** در قرن بیست و یکم علاوه بر توجه به رشد شناختی و پیشرفت تحصیلی باید به هوش هیجانی دانشآموزان هم توجه نمود و آنها را برای همکاری و مشارکت در کار، تصمیمگیریهایی مسئولانه، مقاومت در مقابل فشار گروههای همسالان و نفوذ وسایل ارتباط جمعی آماده نمود. به طوری که بتوانند نقش سازندهای در خانواده و اجتماع بر عهده بگیرند. تسلط بر هر یک از مهارتهای هوش هیجانی زمینه لازم برای موفقیت در زندگی شخصی و اجتماعی را فراهم میآورد و انسان را در مسیر تعادل و پیشرفت هدایت میکند. این مهارتها قابل آموزش هستند و از طریق آموزش آنها میتوان سرنوشت افراد را تغییر داد. در کشور ما، که نظام آموزشی متمرکز است کتاب درسی مهمترین ابزار یادگیری به حساب میآید. در حقیقت کتاب درسی نقش محوری را در فرایند یاددهی و یادگیری به عهده دارد. بنابراین پرسشی مطرح میشود که کتاب های درسی دوره ابتدایی که جامعه هدف آن دانشآموزانی هستند که هنوز در دوران کودکی به سر میبرند، چه میزان به مهارتهای هوش هیجانی توجه داشتهاند؟ پژوهش حاضر در راستای تحلیل محتوای مولفههای درون فردی هوش هیجانی در کتاب فارسی دوره تحصیلی اول ابتدایی با تاکید بر دیدگاه دنیل گلمن (خودآگاهی، خودمدیریتی، خودانگیزی، دیگرآگاهی، دیگر مدیریتی) انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل محتوا است. جامعه پژوهش، کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بوده و اهمیت هر پنج مهارت مورد نظر گلمن نیز به یک اندازه در نظر گرفته شده است. یافتههای این پژوهش نشان میدهد که در کتاب فارسی اول ابتدایی به مهارت آگاهی شخصی و روابط اجتماعی در حد متعادلی پرداخته شده است، در پرداختن به مهارت آگاهی اجتماعی افراط شده است و به مهارت مدیریت شخصی و انگیزش کمتر از حد لازم توجه شده است. بنابراین پیشنهاد میشود که مؤلفین کتاب های درسی زبانآموزی دوره ابتدایی در انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب-های درسی به ایجاد تعادل در ارائه هر پنج مهارت هوش هیجانی توجه نمایند و مصادیق بیشتری در ارتباط با مهارت مدیریت شخصی و انگیزش را در کتابهای درسی بگنجانند. به گونهای که در عرضه تمامی پنج مهارت حد کفایت و تعادل رعایت شود.

**کلمات کلیدی:** کتاب درسی، هوش هیجانی، دوره ابتدایی

#### مقدمه

در بیست سال گذشته توجه بیشتری به هوش هیجانی در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، تحصیلی، شغلی و اجتماعی انسان معطوف گردیده است. پیش از این تصور میشد که بهره هوش شناختی افراد، تعیین کننده موفقیت آنها در زندگی است. به همین دلیل مدارس برای ثبت نام دانشآموزان و به کارگیری معلمان در برنامههای مختلف، همچنین شرکتهای و کارفرمایان برای انتخاب پرسنل، از آزمون هوش شناختی استفاده میکردند. ولی در این سالها دریافتند که هوش شناختی تنها شاخص موفقیت افراد نیست. امروزه نقش هوش هیجانی در موفقیت افراد، برجستهتر از هوش شناختی است (مورتی بویز، 1388).

هوش هیجانی، نوع دیگری از باهوش بودن است و شامل درک احساسات و عواطف خود و دیگران برای داشتن عملکرد مناسب در زندگی است. انسان میتواند به منظور موفقیت و رضایت بیشتر در جنبههای مختلف زندگی و داشتن رفتاری هوشمندانه در مواجهه با چالشها و سختیهای زندگی، مهارتهای هوش هیجانی را بیاموزد و در خود تقویت نماید. فقط کسانی که تلفیق مناسبی از عقل و عاطفه را به طور هم زمان به کار میبرند، به نتایج و موفقیتهای بزرگ دست پیدا میکنند (برادبری، 1388).

هوش هیجانی به عنوان یک مولفه مهم در ساختار شخصیتی انسان قرار میگیرد. انگیزش، هیجان، شناخت و خودآگاهی به گونه خاصی در روانشناسی شخصیت به عنوان چهار جریان اصلی محسوب میشود که مبنای زیست-شناسی شخصیت را تشکیل میدهند (اکبرزاده، نسرین، 1383).

در نظامهای آموزش متمرکز کتاب های درسی از اهمیت بسیاری برخوردارند و تقریباً عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا میشود. کتب درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشیهای آموزش دارند کانون توجه بسیاری از دست اندرکاران آموزش پرورش میباشد. در نظام آموزشی همیشه

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در

### مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تغییر کتاب بر اساس اهداف مشخصی و روشنی نبوده بلکه در پاسخ به پیشنهادهای و نظرات معلمان و مربیان آموزش بخشی از کتاب بوده است همین امر مسئولان را با آن واداشته است که برای تغییر کل محتوای کتب درسی دست به کار شود و وزارت آموزش پرورش نیز با صرف هزینه ها و بودجه فراوان این کار را انجام میدهد. لازم است محتوای کتب درسی به خصوص در دوران کلیدی ابتدائی دقیق و موشکافانه انتخاب و تدوین شوند تا بتوانند این گونه مهارتها در کودکان پرورش دهند. چرا که به اعتقاد بسیاری از محققان رشتههای روانشناسی اجتماعی و شخصیت، رشد به هنجار و رشد کودک، شناخت، علم عصب شناسی، آسیب شناسی روانی، روان شناسی آموزش پرورش و روانشناسی مدرسه، توانایی افراد در تنظیم هیجان به محیط تحصیلی خاص آن ها ارتباط دارد ( مک لم، گایل ال، 1390).

بنابراین محتوایی که انتخاب، طراحی و ساماندهی میشود باید مبتنی بر اصول و قواعد، مبتنی بر نیازهای جامعه، بر خواسته از فلسفه حاکم بر جامعه، بر اساس نیاز سنجی و حاصل کار تیمی و همه جانبه و همسو با آموزه های اخلاقی و اسلامی باشد و علاوه بر آموزش به بعد پرورشی نظام تعلیم و تربیت نیز پرداخته شود. این پژوهش با تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدائی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا در طراحی محتوای کتاب فارسی اول ابتدائی به عوامل هوش هیجانی توجه شده است یا نه؟ در نظام آموزش پرورش ایران کتاب درسی شکل دهنده نحوه آموزش و نحوه ارزشیابی میباشد و فعالیتهای آموزش رسمی در چهارچوب کتاب درسی صورت میگیرد.

استفاده از مولفههای هوش هیجانی برای انجام تحلیل محتوا موضوع جدیدی است که میتواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات برنامه ریزی درسی دوره ابتدائی باشد.

در گذشته تصور میشد که بهره هوشی علمی افراد (IQ) جنبه کاملاً ژنتیکی دارد و تجارب زندگی هیچ تاثیری روی آن ندارد و سرنوشت آدم ها در زندگی به مقدار زیادی به استعداد ذاتی آنها وابسته است. بر پایه این تفکر، والدین و مربیان نمیتوانند برای بهتر عمل کردن بچهها کاری انجام دهند و این بسیار ناامید کننده است. اما سوالی در اینجا مطرح میشود. چگونه افرادی با بهره هوشی بالا در زندگی به موفقیتهای چشمگیری دست نمیبابند اما افرادی با بهره هوشی متوسط، به طرز شگفتانگیزی خوب پیشرفت میکنند و به موفقیت های بزرگی میرسند؟ به نظر دانیل گلمن، علت این تفاوتها را باید در تواناییهای جست که هوش عاطفی نامیده میشود و شامل آگاهی از احساسات خود (خودآگاهی)، توانایی کنترل و مدیریت احساسات و عواطف خود (خودکنترلی)، توانایی برانگیختن و تهییج خویشتن، آگاهی از احساسات دیگران (آگاهی اجتماعی) و توانایی برقراری ارتباط صحیح با دیگران (مدیریت رابطه) میباید (گلمن، 1386).

به طور خلاصه گفته میشود که میزان هوش شناختی افراد ضامن موفقیت آنها در درازمدت و کل زندگی نمیباشد. بلکه ویژگیهای دیگری برای برقراری ارتباطات مناسب انسانی و موفقیت در زندگی لازم است که هوش هیجانی نامیده میشود (اکبرزاده 1383).

تحقیقات گسترده در نشان میدهد که مهارتهای هوش هیجانی، در سطوحی به مراتب بالاتر و فراتر از تاثیرات شخصیت و هوش عمومی، نقش پراهمیتی را در زندگی تحصیلی، شخصی و اجتماعی کودکان ایفا مینماید. هیجانها قادرند توجه را به هر سو سوق دهند. که این خود بر یادگیری، حافظه و رفتار تاثیر میگذارد. مثلاً توانایی کنترل کردن هیجانها میتواند به شاگردان کمک کند در کلاس درس تمرکز حواس داشته باشند و موقعیت های اضطراب انگیز را اداره نمایند. در واقع کودکانی که مهارتهای بالاتری از لحاظ هوش هیجانی دارند، در مقایسه با کودکانی که از این لحاظ دارای مهارتهای کمتری هستند، موفقیتهای تحصیلی بالاتری را تجربه میکنند (سیاروچی و مایر، 1388).

همچنین امکان دارد به واسطه تعامل برخی مهارتهای هوش هیجانی با هوش عمومی، بتوان موفقیتهایی را از نظر تحصیلی پیشبینی کرد و گفت که کودکان متعلق به سطح هوش عمومی، بسته به سطح هوش هیجانی شان، به نحوی متفاوت عمل میکنند. مثلاً یک شاگرد باهوش که در خلال یک آزمون دچار اضطراب میگردد، ممکن است نتیجه مطلوبی به دست نیآورد چرا که استراتژیهای موثر پرداختن به این مشکل را نیاموخته است. بنابراین تامین آموزش در زمینه مهارتهای هوش هیجانی میتواند به توفیق بیشتر در امر تحصیل منتهی گردد (سیاروچی و مایر، 1388).

آموزش مهارت های هوش هیجانی گذشته از مزایای تحصیلی به کودکان کمک میکند تا در آینده انسانهایی مفید برای جامعه و کشور خود باشند (شریفی درآمدی 1386).

کودکانی که هوش هیجانی بیشتری دارند، انعطاف پذیرتر هستند، در مواجهه با مشکلات دستخوش غم، خشم یا ناراحتی میشوند، ولی بهتر میتوانند خود را آرام سازند، ناراحتی را از خود دور کنند و فعالیتهای سازنده را از سر گیرند. این کودکان با دوستان خود بهتر کنار میآیند و مشکلات رفتاری کمتر و گرایش کمتری به پرخاشگری و خشونت دارند (گاتمن 1389).

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



یادگیری سواد عاطفی - اجتماعی به همان اندازه‌ی یادگیری ریاضی و خواندن اهمیت دارد. زیرا یادگیری بدون ارتباط با احساسات کودکان تحقق نمی پذیرد. برنامه‌های سوادآموزی هیجانی، سطح نمره‌های پیشرفت تحصیلی کودکان و عملکرد آنان را در مدرسه بهبود میبخشد. در مطالعات انجام شده، بارها نشان داده شده است کودکانی که فاقد مهارتهای لازم برای کنار آمدن با ناراحتیهای خود هستند و یا از مهارت گوش دادن یا تمرکز جویی، احساس مسئولیت کردن در مورد تکالیف خود یا اهمیت دادن به آموزش بی بهره‌اند، پیشرفت تحصیلی بالایی ندارند. بنابراین همانگونه که گلمن ادعا میکند سواد آموزی هیجانی توانایی یاددهی مدارس را افزایش میدهد. حتی در شرایط بحران و کاستن از بودجه‌ها هم میتوان چنین استدلال کرد که این برنامه‌ها به معکوس کردن روند افت تحصیلی و تقویت مدارس در انجام دادن ماموریت اصلی خود کمک میکنند و ارزش سرمایه گذاری را دارند (شریفی درآمدی 1386).

مؤلفان و برنامه‌ریزان آموزش پرورش باید توجه خاصی به آموزش مهارتهای هوش هیجانی داشته باشند. به خصوص در دوره ابتدایی که اثرپذیری کودکان از هر سن دیگری بیشتر است و آن چیزی که به کودک آموخته می‌شود همچون نقشی که بر سنگ حک میشود در ذهن و جان کودکان خواهد ماند.

ظهور و پیدایش هوش هیجانی:

«هوش عاطفی (هیجانی) آخرین تحول و ابداع مهم، در درک رابطه بین تفکر و عاطفه است. بر خلاف عقاید قبلی، بهترین و منحصر به فردترین کمکی که این سازه کرده، این است که عواطف و افکار را با هم سازگار میداند و هوشمندانه آنها را با هم ترکیب مینماید. همان گونه که بلایس پاسکال در جمله‌های مشهور میگوید: "قلب، استدلال خاص خودش را دارد که چرا استدلالها را نمیپذیرد". در سازه‌ی هوش عاطفی، ادعا میشود که تفکر وعاطفه، آن گونه که قبلا فرض میشد، جدای از هم نیستند. امروزه هوش عاطفی دارای دو حوزه و طیف گسترده است. یکی از طیفها، روانشناسی است که هوش عاطفی را به عنوان یک ویژگی یا خصیصه‌ی شخصیتی به حساب آورده و طیف دیگر، پژوهشهای تجربی هستند که به صورت دقیق و جامع آن را مورد مطالعه قرار داده و روشهای ارزیابی معتبری برای سنجش آن ارائه نموده‌اند» (سیاروچی و همکاران، 1384، ص 10 و 11).

تعریف و سرشت هوش هیجانی:

در روانشناسی، هوش هیجانی (عاطفی) به گروه هوشهای به هم مرتبط تعلق دارد و به توانایی درک و کاربرد اطلاعات عاطفی و هیجانی اشاره دارد. به علاوه هوش هیجانی (عاطفی) منعکس کننده‌ی نظام عاطفی برای بهبود و افزایش هوش میباشد. (سیاروچی و همکاران، 1384، ص 28). تعریف اولیه‌ی هوش هیجانی (عاطفی) برای اولین بار در سال 1990 با همکاری پیترو سالووی مطرح شد «توانایی نظارت بر احساسات و هیجانهای خود و دیگران، توانایی تمیز دادن هیجانهای متفاوت و متنوع، توانایی استفاده از این اطلاعات برای راهنمایی و هدایت فکر و عمل» (فاطمی، 1385، ص 42 و 43). در سالهای بعد، تعریف هوش هیجانی درد و رویکرد "توانایی" و "ترکیبی" ارائه شد. «نظریه توانایی» تجدید نظر شده در سال 1997 (هوش عاطفی را به چهار حوزه تقسیم مینماید: اولین حوزه، شامل ادراک و ابراز عواطف (هیجانها) میباشد که در برگیرنده‌ی صحیح عواطف (هیجانها) در خود و دیگران است. حوزه‌ی دوم شامل توانایی کاربرد عواطف (هیجانها) جهت تسهیل تفکر است که در برگیرنده‌ی پیوند و ارتباط صحیح عواطف (هیجانها) با سایر احساسات و نیز توانایی کاربرد عواطف برای بهبود و افزایش تفکر میباشد. سومین حوزه یعنی درک و فهم عواطف (هیجانها)، شامل تجزیه کردن عواطف به اجزای مختلف، فهمیدن و درک تغییر احتمالی از یک حالت احساسی به حالت احساسی دیگر و فهم احساسات پیچیده در موقعیتهای اجتماعی میباشد و حوزه‌ی چهارم، مدیریت عواطف است که شامل ادراهی احساسات خود و دیگران میباشد.

در توصیف هوش هیجانی با رویکرد ترکیبی، نام دو نظریه‌پرداز مشهور به چشم میخورد، "دانیل گلمن" و "بار - آن".

گلمن در نخستین تعریف خود از هوش هیجانی (در سال ۱۹۹۵)، تقریباً هر چیز خوبی را که می‌شناخت زیر چتر هوش هیجانی قرار داد: هوش هیجانی شامل تواناییهایی مثل انگیزه دادن به خود، پشتکار در شرایط دشواری و سرخوردگی، کنترل رفتارهای تکانشی، به تأخیر انداختن خواسته‌ها، تنظیم هیجانها، جلوگیری از غلبه‌ی استرس بر قدرت فکر کردن، همدلی با دیگران و امیدواری است.

البته گلمن به تدریج تعریف خود را کمی شفافتر و مختصرتر کرد: هوش هیجانی مجموعه تواناییهایی است که به ما کمک میکنند هیجانها را در خود و دیگران، تشخیص داده و تنظیم کنیم.

در نهایت، تعریفی که گلمن در سال ۲۰۱۷ در کتاب Everyday Emotional Intelligence مطرح میکند چنین است: خودآگاهی یا آگاهی از خویشتن (Self-awareness): اینکه نقاط قوت و ضعف خود، انگیزه‌ها و ارزشهایمان و نیز تأثیری را که روی دیگران داریم بشناسیم. خودتنظیمی (Self-regulation): اینکه تکانه‌ها و انگیزه‌های لحظهای و خلق خود را در وضعیت مختلکننده و مزاحم، کنترل کرده یا جهت آنها را تغییر دهیم.

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱



انگیزش (Motivation) و خودانگیزشی (Self-motivation): رسیدن به اهداف و موفقیت به صرف موفقیت به ما انگیزه بدهد و شکست، نتواند به سادگی انگیزه‌ی ما را بگیرد.

همدلی (Empathy): وضعیت احساسی دیگران را درک کنیم و بتوانیم از دریچه‌ی چشم آنها جهان را ببینیم.  
مهارت اجتماعی (Social Skill): با دیگران، رابطی صمیمی ایجاد کنیم تا بتوانیم آنها را به سمتی که میل داریم سوق دهیم.

### سوالهای پژوهش

- 1- آیا در طراحی محتوای کتاب فارسی اول ابتدایی به عوامل هوش هیجانی توجه شده است یا نه؟
- 2- در طراحی محتوای کتاب فارسی اول ابتدایی به چه میزان به مولفهای هوش هیجانی توجه شده است؟
- 3- عوامل مهارتهای هوش هیجانی مورد نظر گلمن در محتوای کتاب فارسی پایه اول کدامند؟

### اهداف پژوهش

- 1- شناخت مهارتهای هوش هیجانی مورد نظر گلمن در محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی.
- 2- ارتقا میزان توجه مسئولان و برنامه ریزان به اهمیت آموزش مهارت های هوش هیجانی.

### روش پژوهش

هدف تحقیق، بررسی محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس مولفه های هوش هیجانی است. روش بررسی در این پژوهش با تکنیک تحلیل کیفی محتوا صورت گرفته است. نوع پژوهش حاضر توصیفی و از نظر هدف کاربردی میباشد. روش اجرای پژوهش در تحلیل محتوا چنین است: 1- بررسی کلی کتاب درسی و انتقال مضامین و مفاهیم 2- مقوله بندی 3- تعیین درصد فراوانی هر یک از مضامین 4- تعیین درصد فراوانی هر یک و تهیه جدول و نمودار و گرفتن میانگین و... 5- مقایسه مقوله ها با یکدیگر 6- نتیجه گیری

جامعه آماری کتاب فارسی دوره تحصیلی اول ابتدایی است که علاوه بر متن دروس، تصاویر، جملات، شعر ها، قصه ها، روانخوانی، تمرین ها و نگاره نیز تحلیل شده است. با توجه به محدود بودن جامعه از روش سرشماری استفاده شد. بنابراین نمونه و جامعه مورد نظر یکی است. با توجه به اهداف و سوالات تحقیق و با در نظر گرفتن مولفه های هوش هیجانی در این پژوهش همه قسمت های کتاب مورد بررسی قرار گرفت. در این تحلیل محتوایی که متن نوشتاری بخش عمده ای از آن را تشکیل میدهد، واحد تجزیه و تحلیل متون نوشتاری، جمله در نظر گرفته شد و نوع تحلیل به صورت تحلیل مفهومی است. همچنین در بررسی سایر محتواهای غیر نوشتاری نظیر تصاویر و عکس های کتاب نیز از تحلیل مضمونی استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

مؤلفه ها	فراوانی عامل در دروس	فراوانی عامل در روان- خیوانی هیا و شعر ها	فراوانی عامل در تصاویر و تمرین ها	جمع فراوانی عامل	درصد فراوانی عامل	پایه اول	
						فراوانی	درصد
خودآگاهی	1	7	0	8	57%/14		
خودتنظیمی	0	0	0	0	0%		
انگیزش	0	3	1	4	28%/57		
همدلی	0	0	2	2	14%/28		

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

0%	0	0	0	0	مهارت اجتماعی
100%	14	3	10	1	کل مولفه ها

جدول 1- میزان توجه به محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدائی به مولفه های هوش هیجانی

فارسی پایه اول	خودآگاهی	خود تنظیمی	انگیزش	همدلی	مهارت اجتماعی
نگاره ۱	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۲	دارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۳	دارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۴	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۵	ندارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
نگاره ۶	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۷	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۸	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ندارد
نگاره ۹	دارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
نگاره ۱۰	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۱	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۲	ندارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
درس ۳	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۴	دارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
درس ۵	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۶	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۷	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۸	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۹	دارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس ۱۰	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ندارد

## نخستین کنفرانس ملی کنکاش های علوم انسانی در مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و حسابداری



زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

درس ۱۱	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۲	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۳	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۴	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۵	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۶	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۷	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۸	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۱۹	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۲۰	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۲۱	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد
درس ۲۲	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد	تدارد

جدول ۲

با توجه به نتایج جدول بالا دروس فارسی پایه اول ابتدایی شامل 14 واحد میباشد. این پایه به ترتیب به عوامل خودآگاهی، انگیزش و همدلی بیشترین توجه را داشته است ولی به عواملی همچون خودتنظیمی و مهارتهای اجتماعی توجهی نداشته است. در مجموع بیشترین سهم مربوط به عوامل خودآگاهی هیجانی است. در میان محتوای کتاب فارسی اول ابتدایی اعم از نگاره ها، درس، شعر ها، روانخوانی، تمرین ها، فعالیتها و تصاویر، بیشترین میزان توجه به روانخوانی و شعرها مربوط است. این مطلب اشکار است که هدف عمده دروس این کتاب در پایه اول آموزش حروف الفبا است و با توجه به سن و سال دانش آموزان و سطح رشد عاطفی و شناختی آنان، نمیتوان انتظار چنین آموزشهایی را از این پایه داشت.

### نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی میتوان گفت محتوای کتاب فارسی دوره تحصیلی اول ابتدایی در برخی از مولفهها تأکیدی بر ایجاد و توسعه هوش هیجانی در دانشآموزان ندارند در محتوای کتاب یاد شده در پرداختن به مولفهها یا آموزش آنها مشاهده نمیشود. مفاهیم و مولفههای هوش هیجانی در پایههایی ابتدایی تر می توان برخی از مولفهها همچون شادی و ارتباطات میان فردی را به صورت مقدماتی در دانشآموزان پرورش داد ولی آموزش برخی از مولفهها همچون استقلال و جرأتندی کمی دشوار به نظر میرسد. چرا که به عنوان مثال با در نظر گرفتن روانشناسی رشد و یادگیری، مراحل رشد شناختی و اخلاقی بزرگان همچون پیازه و گلبرگ، مراحل رشد شناختی - اجتماعی ویگوتسکی و با توجه به خودمحوری و خود مرکز بینی کودکان در این سن آموزش چنین مولفههایی کمی دشوار و برای دانش آموزان انتظار بیش از حدی باشد. بستر سازی و گنجاندن این مولفهها از طریق طرح سطحی و مقدماتی آنها در کتاب درسی میتواند زمینههایی برای گفتوگوهای کلاسی فراهم آورد و در تعاملات میان فردی و روحیات و خلق و خوی شخصی آنان موثر افتد تا بدین شیوه بتوانند در تعامل با محیط و فضای آموزشی، معلمان و همکلاسان و اعضای جامعه سازگارتر شوند.

### منابع

1. اکبرزاده، نسرين، 1383، هوش هیجانی دیدگاه یالوی و دیگران، تهران، فارابی، چاپ اول.
2. مک لم، گایل ال، 1390، تنظیم هیجان کودکان، ترجمه احمد رضا کیانی و فاطمه بهرامی، تهران، چاپ اول.
3. سیاروچی، ژوزف، 1383، هوش عاطفی در زندگی روزمره، ترجمه اصغر نوری امام زاده ای و حبیب الله نصیری، اصفهان، نشر نوشته.
4. گلمن، دنیل، 1387، هوش هیجانی، خودآگاهی هیجانی، خویشتنداری، همدلی و یاری به دیگران، ترجمه نسرين پارسا ریا، تهران، انتشارات رشد، چاپ پنجم.
5. پیازه، ژان، 1357، روانشناسی هوش، ترجمه حبیب الله ربانی، تهران.
6. فاطمی، سید محسن، 1385، هوش هیجانی، تهران، انتشارات سارگل.
7. جینز برگ، هربرت. رشد عقلانی کودک از دیدگاه پیازه، ترجمه فریدون حقیقی، فریده شریفی، تهران: